



ارتباط اسم اعظم الهی با «الرحمن الرحیم»

دعاهایی که از شریعت و حاملان علم و حکمت به ما رسیده از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند بر بندگان است. به مناسبت ماه مبارک رمضان به شرح دعای سحر امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

دعاهایی که از شریعت و حاملان علم و حکمت به ما رسیده از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند بر بندگان است. به مناسبت ماه مبارک رمضان به شرح دعای سحر امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

به گزارش خبرنگار مهر، عارف عابد و زاهد سالک، سید بن طاووس در کتاب «اقبال الاعمال» از شیخ طوسی و ابن ابی قره از ایوب بن یقظین روایت می‌کند که پیرامون دعای سحر از امام رضا علیه السلام پرسش کرد؛ و حضرت رضا (ع) در پاسخ وی فرمودند: «این دعای ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیهما السلام در سحرهای ماه مبارک رمضان بوده است.» و حضرت رضا (ع) ویژگی‌های زیر را در مورد دعای سحر از پدرشان از امام باقر (ع) نقل می‌فرمایند: بزرگی درخواست‌های این دعا در درگاه حق تعالی، سرعت اجابت برای دعاکننده، وجود اسم اعظم در این دعا، دعای سحر از مکنون علم حق تعالی است، سفارش به حفظ این دعا از دسترسی ناهلان.

حضرت باقر (ع) در آخر کلام خویش این دعا را، دعای «مباهله» می‌خوانند. و دعای مباهله، از دعاهایی است که در اعمال روز بیست و چهارم ذی الحجة (روز مباهله) خوانده می‌شود و مشابه دعای سحر با اضافاتی است که از ائمه معصومین (ع) نقل شده است. و در کتابهای دعا مثل «مصباح المتهجد» شیخ طوسی (ره) و «البلد الامین» و «مصباح» کفعمی و «اقبال الاعمال» نقل شده است. حضرت امام خمینی در سن ۲۷ سالگی دعای سحر را شرح کرده‌اند.

در ادامه قسمت دوازدهم شرح دعای سحر حضرت امام خمینی به نقل از ترجمه فارسی این کتاب تقدیم نگاه مخاطبان می‌شود:

مسأله رحیمیت خداوند در دو عالم از منظر شیخ محی الدین عربی کاملاً روشن است، زیرا صفت «ارحم الراحمین» نزد صفت «منتقم» شفاعت می‌کند و دولت از آن او می‌شود و منتقم تحت سلطه و فرمان او قرار می‌گیرد. رحمانیت و رحیمیت نیز یا ذاتی است و یا فعلی. پس، خداوند تعالی دارای رحمت رحمانی و رحیمیت ذاتی است که عبارت است از تجلی ذات برای ذات و ظهور صفات و اسماء و لوازم آن‌ها، که همان اعیان ثابت‌باشند، به ظهور علمی و کشف تفصیلی در عین علم اجمالی در حضرت واحدیت.

همچنین، خداوند دارنده رحمت رحمانی و رحیمی فعلی است که عبارت است از تجلی ذات در لباس افعال به طریق بسط فیض و کمال فیض بر اعیان و اظهار کردن عینی آن، به طوری که مطابق غایت کامل و نظام اتم الهی باشد. و این یکی از دلایل تکرار عبارت «الرحمن الرحیم» در سوره آغازین کتاب تدوینی (قرآن) است؛ چه این کتاب با کتاب تکوینی الهی تطابق کامل دارد. به دیگر سخن، ظاهر صورت باطن است و لفظ و عبارت همان تجلی حقیقت و معناست در لباس شکل‌ها و صداها و بر تن کردن جامه قالب‌ها و هیئت‌ها.

پس، اگر «الرحمن الرحیم» در «بسم الله الرحمن الرحیم» وصف کلمه «الله» قرار داده شود، اشاره به رحمانیت و رحیمیت ذاتی پروردگار دارد، ولی «الرحمن الرحیم» بعدی اشاره به رحمانیت و رحیمیت فعلی خواهد داشت. «الله» نیز در «الحمد لله» اشاره به الوهیت فعلی و جمع تفصیل «الرحمن» و «الرحیم» فعلی است. «الحمد» به معنای عالم مجردات و نفوس اسپهبدیه است که حیثیتی جز حمد پروردگار و اظهار کمالات منعم ندارند و در سلسله وجود، جز این عوالم نورانی، چیزی که تماماً حمد باشد بدون شائبه کفران نیست، زیرا این‌ها در نظر اهل ذوق و عرفان اثبات صرف‌اند و ماهیتی ندارند. «العالمین» نیز عوالمی است پایین‌تر از آن عوالم. بنابراین، معنا چنین خواهد بود: به نام خداوندی که دارای رحمت رحمانی و رحیمی ذاتی است. تمامی عوالم حمد گشوده شده، عوالمی که تعین الوهیت مطلق در مقام فعل‌اند و صاحب مقام ربوبیت و تربیت برای موجوداتی هستند که دون مقام مقدسات‌اند که عبارت‌اند از: ملائکه روحانی و ملائکه صافات و ملائکه مدیرات. نیز صاحب رحمت رحمانی و رحیمی فعلی‌اند که به معنای مقام بسط وجود و بسط کمال عینی وجود در حضرت شهادت است و صاحب مالکیت و قابضیت در روزی هستند که همه به سوی آن‌ها باز می‌گردند، زیرا بازگشت به اینان بازگشت به خداست، چه این‌ها ظهور ذات باری‌اند و ظهور هر چیز جدای از آن چیز نیست، بلکه خود آن است.

اما اگر «الرحمن الرحیم» را صفت «اسم» در بسمله قرار دهیم، کار به عکس شده و معنا چنین خواهد شد: به مشیت خداوند که این مشیت دارای رحمانیت و رحیمیت فعلی است. و «الله» در «الحمد لله» الوهیت ذاتی و «الرحمن الرحیم» از اوصاف ذاتی اوی

اند و چنین است «رب» و «مالک». به امید خدا، در شرح جمله «اللهم انی اسئلك من اسمائك» آنچه را که در تفسیر اسم از روایات اهل بیت عصمت و طهارت و منزلگاه های وحی و مهبط فرشتگان الهی استفاده می شود بیان خواهیم کرد.

پاسخ یک اشکال

قیصری در مقدمه خود بر شرح فصوص گفته است:

«وإذا أخذت (ای: حقیقة الوجود) بشرط کلیات الاشياء فقط، فهی مرتبة الاسم الرحمن ربّ العقل الاول المسمى بلوح القضاء وامّ الكتاب والقلم الاعلی. وإذا أخذت بشرط ان تكون الکلیات فیها جزئیات مفصلة ثابتة من غیر احتجاب ها عن کلیاتها، فهی مرتبة الاسم الرحیم ربّ النفس الکلیة المسماة بلوح القدر، وهو اللوح المحفوظ والکتاب المبین؛ اگر وجود را فقط به لحاظ کلیات اشياء در نظر بگیریم، مرتبه اسم «الرحمن» خواهد بود که رب عقل اول است و به نام های لوح قضا و ام الكتاب و قلم اعلى خوانده می شود؛ و اگر آن را به این لحاظ در نظر آوریم که کلیات اشياء را جزئیاتی مفصل و ثابت است که البته پوشیده از کلیات هم نیست، در این صورت، مرتبه اسم «الرحیم» خواهد بود که رب نفس کلی است و لوح قدر نام گرفته و همان لوح محفوظ و کتاب مبین است».

من می گویم: اگر چه این مطلب از یک نظر درست می نماید، مناسب تر آن است که مرتبه اسم «الرحمن» را مرتبه بسط وجود بر کلیات و جزئیات تمام عوالم، چه کلی و چه جزئی، بدانیم و مرتبه اسم «الرحیم» را مرتبه بسط کمال وجود به همین صورت تلقی کنیم؛ زیرا رحمت رحمانی و رحیمی خداوند همه چیز را در بر گرفته و بر همه عوالم احاطه یافته است. پس، این دو (رحمان و رحیم) تعیین مشیت، و مقام تعقل و نفس تعیین در تعیین هستند، لذا بهتر آن است که بگوییم اگر به اعتبار بسط اصل وجود ملاحظه شود مرتبه اسم الرحمن و اگر به اعتبار بسط کمال وجود لحاظ شود مرتبه اسم «الرحیم» است. و از این نظر در ادعیه آمده است: «اللهم انی اسئلك برحمتک التی وسعت کل شیء؛ بارخدایا، از تو به رحمتت که همه چیز را فرا گرفته درخواست می کنم». و از نبی مکرم اسلام منقول است که: «إنّ لله تعالی مئة رحمة انزل منها واحدة الى الارض فقسّمها بین خلقه، فیها يتعاطفون ويتراحمون. وَاخِرُ تَسْعَا وَتَسْعِینَ یَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ؛ خداوند صد رحمت دارد که از آن همه تنها یکی را به زمین فرو فرستاده و میان آفریده هایش قسمت کرده است و این همان است که خلق بر اثر آن به یکدیگر مهر می ورزند و بر همدیگر می بخشایند. اما نود و نه رحمت خود را کنار گذارده که در روز واپسین بر بندگان خود می بخشاید».

یکی از مشایخ سلوک و معرفت، رضی الله عنه ورفعه فی الخلد مقامه، در کتاب خود (اسرار الصلوة)، در تفسیر سوره فاتحه، پس از نقل حدیث نبوی فوق چنین آورده است:

«فاطلاق الرحمن والرحیم علی الله تعالی باعتبار خلقه الرحمة الرحمانیة والرحیمیة باعتبار قیام ها به قیام صدور لا قیام حلول. فرحمته الرحمانیة افاضة الوجود المنبسط علی جمیع المخلوقات، فایجاده رحمانیته والموجودات رحمته. ورحمته الرحیمیة افاضة الهدایة والکمال لعباده المومنین فی الدنیا و مئه بالجزء والثواب فی الاخرة. فایجاده عامّ للبرّ والفاجر».

تا آن جا که می گوید:

«فمن نظر الى العالم من حیث قیامه بايجاد الحق تعالی، فکآته نظر الى رحمانیته وکآته لا یری فی الخارج الا الرحمن ورحمته. ومن نظر الیه باعتبار ايجاد فکآته لم ینظر الا الى الرحمن؛ اطلاق الرحمن الرحیم بر خداوند تعالی از آن رو که خالق رحمت رحمانی و رحیمی است بدان لحاظ است که رحمت رحمانیه و رحیمی به نحو قیام صدور (و نه قیام حلولی) قائم به اوست. پس، رحمت رحمانی او افاضة وجود منبسط است که بر همه آفریده ها گسترده شده. پس، ایجاد کردن او رحمانیت اوست و موجودات همه رحمت اوی اند. و رحمت رحیمی او اعطای هدایت و کمال بر بندگان مؤمنش است در این دنیا و جزا و پاداشی است که از کرامت خویش بر بندگان در آخرت ارزانی می دارد. پس ایجاد کردن او عام است و شامل نیکوکار و بدکار هر دو می شود»؛ هر که جهان را از این منظر بنگرد که قائم به ایجاد حق تعالی است، گویا به رحمانیت او نگرسته و در خارج جز رحمانیت و رحمتش ندیده است؛ و هرکه جهان را از این نظر بنگرد که توسط او پدید آمده، گویا جز به رحمانیت او نگرسته است».

نویسنده این سطور می گوید: اگر ایشان از وجود منبسط آنچه را که میان اهل معرفت شایع است اراده کرده باشد که عبارت است از مقام مشیت و الهیت مطلق و مقام ولایت محمدی و دیگر القابی که به حسب نظرها و مقام ها بر این مقام اطلاق می شود، این با مقام رحمانیتی که در «بسم الله الرحمن الرحیم» ذکر شده تناسبی ندارد. دلیل مطلب آن است که «الرحمن الرحیم» دو وصف اند که تابع اسم الله و از تعینات آن هستند. ظل منبسط ظل الله (و نه ظل الرحمن) و حقیقت آن حقیقت انسان کامل است و رب انسان کامل که کون جامع است اسم اعظم الهی است که به «الرحمن الرحیم» احاطه دارد و به همین سبب هم بوده که این دو در آغاز کتاب الهی به دنبال هم آمده اند.

اما اگر مقصودشان از وجود منبسط مقام بسط وجود باشد، گرچه با مقام بحث تناسب و با تدوین و تکوین توافق دارد، با ظاهر کلام وی مخالف است. آنچه که مذکور داشته نیز، به اعتبار فنای مظهر در ظاهر درست تواند بود که مقام رحمانیت از این نظر همان مقام الهیت است، آن چنانکه خداوند فرموده: « قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن اّیما تدعوا فله الالسماء الحسنی؛ خدا را به نام الله یا الرحمن، به هر کدام، که بخوانید اسمای نیکو از آن اوست». و فرمود: « الرحمن علّم القرآن. خلق الانسان؛ خدای بخشاینده قرآن را آموخت و انسان را آفرید». و فرمود: « الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم؛ و خدای شما خدای یگانه است، نیست خدایی مگر او که بخشاینده و مهربان است» .